

همه کسانی که اکنون دوران میان‌سالی یا حتی کهن‌سالی را پشت‌سر می‌گذارند، با کمی اندیشیدن به گذشته می‌توانند دوران نوجوانی و جوانی خود را به یاد بیاورند. دورانی که با احساسات زودگذر، عواطف آتشین و تنوع‌طلبی و تمایل به استقلال رأی و عمل توأم است. آنچه در این یادداشت کوتاه بر آن تأکید خواهیم کرد، موضوع استقلال‌طلبی نوجوانان و جوانان و ضرورت اهمیت دادن به آن و میدان دادن به دانش‌آموزان در مدارس و کلاس درس است تا ضمن بروز توانایی‌ها و استعدادها، بتوانند شخصیت منحصر به فرد خود را در تعاملی چندسویه با مدرسه و هم‌کلاسی‌ها و هم‌نسلان خود به نمایش بگذارند. بدیهی است اگر چنین زمینه‌ای با مدیریت و دوراندیشی همه کارکنان مدرسه و در تعامل با خانواده‌های آنان فراهم نشود، ممکن است این قوه جسمانی و توان خدادادی که به‌طور ذاتی در وجود آنان نهفته است، راه به خطا ببرد و فرزندان و دانش‌آموزان به سمت‌وسوی فعالیت‌هایی مخرب روی آورند. گاه نگاه و برخورد ما با این نیاز طبیعی یعنی استقلال‌طلبی که با برچسب‌هایی مانند سرخودشدن، بی‌ادب شدن، بی‌نیازی از بزرگ‌ترها و القابی این‌چنین همراه می‌شود، ضمن تضییع این حق طبیعی، نوجوان و جوان را در موضعی قرار می‌دهد که ممکن است آسیب‌های غیرقابل جبرانی را در پی داشته باشد.

ورود به زندگی مسئولانه

دستیابی به استقلال نسبی به‌خصوص در دوره جوانی، اتفاقاً یکی از نعمات ارزشمند خداوندی است که می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود جوان به عرصه زندگی و پذیرش مسئولیت‌های کوچک و بزرگ در مسیر انتخاب و گزینش راهی همراه با آگاهی و شناخت واقعیت‌های زندگی باشد و او را برای زندگی موفق و مسئولانه فردی و اجتماعی در آینده آماده و مهیا کند. این بعد اثباتی قضیه است و چنانچه این دوره بحرانی از عمر دانش‌آموزان به‌خوبی و با آگاهی و شناخت از نیازها و ویژگی‌های آنان همراه باشد و به زمینه‌ای برای دادن استقلال نسبی همراه با مسئولیت‌پذیری و ایفای نقش‌های فردی و اجتماعی همراه شود، ضمن پاسخ به یک نیاز طبیعی جوانان و همراه شدن با سرشت و طبیعت آنان که در ذات و کنه وجود آنان نهاده شده است، مسیر ورود مسئولانه و با نشاط آنان را به زندگی و مسئولیت‌پذیری بیشتر در محیطی اجتماعی مانند مدرسه به‌همراه خواهد داشت. اما چنانچه نیاز فطری و طبیعی استقلال‌طلبی و روی پای خود ایستادن نوجوان و جوان در محیط خانه و مدرسه، با واکنش‌های نسنجیده، خودخواهانه و ناآگاهانه پدر و مادر و کارکنان مدارس و به‌خصوص معلمان همراه شود، نه تنها این نیاز فطری از بین نخواهد

رفت و خواسته‌های بزرگ‌ترها محقق نخواهد شد، بلکه خطرات و آسیب‌های جبران‌ناپذیری متوجه دانش‌آموزان و فرزندان ما خواهد شد.

گرایش به رفتارهای پرخطر

متأسفانه در بسیاری موارد که این نیاز استقلال‌طلبی، با برخورد منفی و سلبی بزرگ‌ترهای خانه یا مدرسه مواجه می‌شود، جوانان که می‌خواهند این ظرفیت وجودی خود را به‌گونه‌ای نشان دهند، به مواد مخدر و اعتیاد روی می‌آورند و سیگار می‌تواند آغازی برای یک راه خطرآفرین و آسیب‌زا باشد. بیراهه‌ای که جوان در نبود همراهی بزرگ‌ترها و برای اثبات قدرت‌های وجودی خود، آن را تنها راه کسب



جوانی بدون دود!

محمد دشتی

استقلال می‌پندارد و چون ارتباط عاطفی و تعاملی او با بزرگ‌ترها نیز قطع شده است، او را به ناکجاآباد می‌برد.

این استقلال‌طلبی که ممکن است با طعم تلخ سیگار شروع شود و با مرگی غم‌انگیز در گوشه‌ای از خیابان پایان پذیرد، در واقع می‌تواند محصول ناآگاهی بزرگ‌ترها در خانواده و مدرسه باشد و ناکامی جوان در راه رسیدن به حقوق طبیعی او را که با ناآگاهی و کم‌توجهی پدر و مادر و اولیای مدرسه همراه شده است به دنبال داشته باشد.

به همین دلیل باید تلاش کنیم ضمن شناخت و آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی فرزندان و دانش‌آموزان و آگاهی نسبت به نیازها و صفات وجودی و طبیعی آنان در سنین مختلف، راه

صحیح و منطقی رسیدن به این نیازها را که می‌تواند باعث شکوفایی بیشتر شخصیت آنان و بروز توانمندی‌های وجودی دانش‌آموزان شود، به‌رویشان بگشاییم تا دنیای زیبا و شوق‌انگیز آنان، با محیط‌های نامناسب و آکنده از دود و دم مواد مخدر و از جمله سیگار که به‌راحتی در دسترس آنان قرار دارد، گره نخورد. اگر در این نوشته کوتاه از سیگار هم به‌عنوان ماده‌ای مخدر و اعتیادآور یاد کرده‌ایم، قصدمان بزرگنمایی این موضوع نیست. باید توجه داشته باشیم که متأسفانه بسیاری از دانش‌آموزانی که در دام اعتیاد گرفتار شده‌اند، اولین کارشان را با پک به سیگارهای تعارفی دوستان یا بزرگ‌ترها شروع کرده‌اند.

دخانیات مقدمه برای گرایش به مواد مخدر

همچنین، بررسی‌ها و تحقیقات در این خصوص نشان می‌دهد، اعتیاد معمولاً با سیگار کشیدن شروع می‌شود. در واقع سیگار مقدمه‌ای برای گرایش نوجوانان و جوانان به مواد مخدر است. برای کشیدن سیگار علت‌های متفاوتی وجود دارد.

شاید یکی از دلایل این باشد که نوجوانان و جوانان از آنجا که تحت تأثیر الگوهای بزرگسالان قرار دارند، در صورتی که ببینند معلم، پدر و مادر یا شخصیت‌هایی که شهرت اجتماعی دارند، سیگار می‌کشند، نسبت به کشیدن سیگار

تمایل پیدا می‌کنند. بعضی هم به علت بی‌اطلاعی و نداشتن آگاهی تصور می‌کنند سیگار کشیدن به انسان شخصیت می‌دهد و قدرت تفکر را تقویت می‌کند. از طرف دیگر، برداشته شدن محدودیت‌های دوران کودکی و وارد شدن به دوره نوجوانی و جوانی که معمولاً با استقلال‌طلبی توأم است، نوجوان را بر آن می‌دارد که بخواهد علیه دوره کودکی خود قیام کند و به دیگران خصوصاً بزرگ‌ترانش بفهماند که بزرگ شده است.

تعارف سیگار از جانب افراد سیگاری به نوجوانان و جوانان و به دوستان صمیمی خود، برای ابراز محبت، باعث اعتیاد به سیگار می‌شود. همین‌طور سیگاری‌ها در هنگام برخورد با یکدیگر با تعارف سیگار و کبریت صمیمیت خود را نشان می‌دهند و این ابراز محبت در بین گروه‌های سیگاری نوجوان و جوان قوی‌تر است.

پس بیاییم ضمن احترام به حقوق طبیعی و فطری فرزندانمان، محیطی عاری از دود و دم و توأم با ابراز شایستگی‌ها و توانایی‌ها فراهم آوریم تا آن‌ها بتوانند ضمن کسب استقلال لازم و با اعتماد به نفس و شناخت کامل، به همه پیشنهادها و وسوسه‌های گرایش به مواد مخدر و دیگر آسیب‌های احتمالی پاسخ منفی بدهند و در پناه همان استقلال رأی و اعتمادی که از بزرگ‌ترها کسب کرده‌اند، آینده فردی و اجتماعی خود را به بهترین وجه و شکل بسازند.

